روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳ ■ سال سی‌ودوم ■ شماره ۹۲۷۳

جهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
صدقه دارویی است شفا بخش و اعمال بندگان در این جهان، مقابل چشم آنهاست در آن جهان

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۶ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۱
■ اذان مغرب: ۱۷:۱۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۱
■ اذان صبح فردا: ۵:۳۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۲

حافظ
ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت
به خنده گفت که حافظ برو، که پای تو بست؟

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

وقتی تهران پشت دروازه‌ها قرار گرفت

۱۳۹ سال پیش در چنین روزی، پروژه ساخت دروازه های عصر ناصرالدین شاه در تهران شروع شد و پایتخت، پشت دروازه ها جا گرفت

فاطمه عباسی

پس از انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت ایران، چگونگی شکل گیری ساختار شهری و سپس توسعه حصار و برج و باروهای آن از جمله مهم‌ترین دستاوردهای معماری در پایتخت نوپای ایران بود. هرچند براساس مستندات تاریخی سابقه ساخت قدیمی‌ترین حصار و دروازه در تهران به سده دهم هجری بازمی‌گردد، اما پس از انقراض دولت صفویه و در روزگار افشاریه و زندیه، به‌دلیل درگیری‌ها و جنگ‌های متوالی توجهی به حصار و دروازه‌های این شهر نشد و آنها به‌مرور رو به خرابی رفتند.

در دوره صفویان تهران ۵دروازه داشت و در دوره افغان‌ها و سپس زمان سلطنت محمدشاه قاجار ۲دروازه دیگر به شهر افزوده شد. ناصرالدین‌شاه از سال بیستم پادشاهی خود به فکر گسترش و توسعه شهر افتاد. برای اینکه شهر متر و معیار فراخ‌تری پیدا کند، نیاز بود که دروازه‌های پیشین که در عصر شاه‌طهماسب صفوی بنا شده بودند، از میان برداشته شوند. این عملیات با توجه به ارتفاع و استحکام دروازه‌های عصر صفوی مدت زیادی به طول انجامید. برای ساخت دروازه‌های جدید که تعداد آنها به ۲۱عدد می‌رسید، باید مقدار زیادی مصالح و خاک تامین می‌شد. در اطراف باروهای شهر خندق‌هایی حفر شده بود که شهر را در مقابل هجوم بیگانگان ایمن کند. زمانی که برج و باروی شاه‌طهماسبی خراب شد با خاک آن خندق‌های اطراف شهر را پر کردند؛ اما برخی از خندق‌ها مانند گود در اطراف پایتخت و درواقع خارج از سرحدات مرز آن باقی ماندند و بعدها گودهای تهران را تشکیل دادند. گود عرب‌ها در اطراف دروازه‌غار و گود زنبورک‌خانه در بازار از این گودهای به‌جامانده هستند.

دروازه‌های تهران بعد از ساخت مزین به کاشی‌کاری و نقوشی از داستان‌های شاهنامه فردوسی شدند. نام این دروازه‌ها براساس محلی که در آن قرار داشتند گذاشته شد که این نام‌ها عبارت بود از: دروازه گمرک، قزوین، شاه‌عبدالعظیم(ع)، بهجت‌آباد، دولاب، باغشاه، محمدیه، دوشان‌تپه، دولت، شمیران، خراسان و دروازه غار. شب‌ها این دروازه‌ها برای ایمنی شهر بسته می‌شدند و بازشدن آنها تنها مشروط به گفتن اسم شب بود که آن را همه‌روزه وزیر دربار معین می‌کرد و به رئیس قراولان شاهی اطلاع می‌داد. دروازه‌های تهران یکی پس از دیگری در گذر زمان فروریختند. شهر سال‌به‌سال فراخ‌تر می‌شد و طول و عرض بیشتری پیدا می‌کرد. در زمان مشروطه این دروازه‌ها کاربری خود را از دست دادند و دیگر رمز شب برای آنها تعیین نمی‌شد. کسی اقدامی برای مرمت بنای آنها نمی‌کرد و به همین دلیل در گذر سال‌ها این مبادی ورودی پایتخت کم‌کم از بین رفتند.

سردر باغ ملی

مکث

دروازه محمدیه

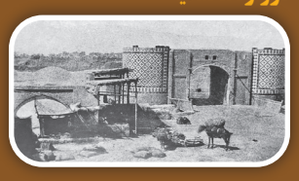

دروازه محمدیه، تنها دروازه باقیمانده از زمان قاجار، نزدیکی میدان محمدیه یا پاقاپوق، یکی از ۵میدان مهم ساخته‌شده در زمان قاجار، واقع شده است. این میدان بعدها به‌خاطر اینکه محل اعدام مجرمان بود، میدان اعدام نامگذاری شد و بعد از برچیده‌شدن دار اعدام به میدان محمدیه تغییر نام داد.

دروازه سردر باغ ملی

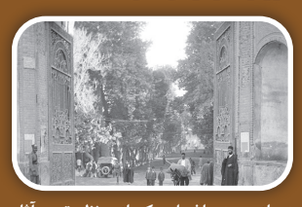

دروازه سردر باغ ملی یکی از بی‌نظیرترین آثار دیدنی زمان قاجار است که تا امروز باقی مانده و می‌توانید در خیابان امام خمینی آن را به نظاره بنشینید. این سردر در زمان قاجار دروازه‌ای به سمت میدان مشق بود. در معماری این اثر تاریخی از طراحی اروپایی و ایرانی استفاده شده است. کاشی‌کاری‌های زیبای آن شبیه کاخ کلاه‌فرنگی، یکی از زیباترین کاخ‌های تهران، طراحی شده بود و در نمای داخلی‌اش طرحی از کورش کبیر وجود داشت.

دروازه شاه‌عبدالعظیم (ع)
از اصلی‌ترین و جنوبی‌ترین دروازه‌های قدیمی تهران دروازه شاه‌عبدالعظیم(ع) بود که در مسیر اصفهان و قم و در محله چال‌میدان واقع شده بود.

دروازه قزوین
دروازه قزوین قدیم (تهماسبی) در ابتدای بازارچه قوام‌الدوله و طرخانی در شرق میدان شاپور (میدان وحدت اسلامی) و دروازه قزوین جدید (ناصری) در ورودی خیابان و میدان قزوین قرار داشت.

دروازه دولت
این دروازه شمالی تا دوره محمدشاه قاجار به‌نام اسدالدوله خوانده می‌شد؛ اما در دوره ناصرالدین‌شاه و با گسترش باروی شهر، به دروازه دولت تغییر نام یافت و محل آن نیز به محل تلاقی خیابان انقلاب و سعدی منتقل شد.

دروازه یوسف‌آباد
محله یوسف‌آباد در روستا در شمال غربی پایتخت و روی تپه‌ای قرار داشت و دروازه یوسف‌آباد هم در همین محله بنا شده بود. شاه قاجار برای بازدید از زمین‌های بهجت‌آباد از آنجا عبور می‌کرد و درنتیجه به دروازه بهجت‌آباد هم معروف است.

دروازه خراسان
دروازه خراسان در حدود میدان خراسان قرار داشت. این دروازه در دیوار باروی شرقی شهر، جنوبی‌ترین دروازه شرقی قلمداد می‌شد.

دروازه دوشان‌تپه
دروازه دوشان‌تپه در حدود انتهای خیابان مجاهدین اسلام مشرف به میدان شهداد واقع شده بود. این دروازه در زمان قاجار شکارگاه ناصرالدین‌شاه بوده و دلیل شهرت این دروازه به همین علت است.

دروازه خانی‌آباد
دروازه خانی‌آباد در حدود میدان خانی‌آباد و در محل تلاقی خیابان خانی‌آباد با خیابان‌های مولوی و شوش بود. این دروازه نزدیک یخچال‌های تهران بود و یکی از ۳دروازه جنوبی تهران محسوب می‌شد.

دروازه غار
دروازه غار در قسمت شمالی محله باغ آذری واقع شده بود و از اصلی‌ترین دروازه‌های تهران قدیم بود. کاشی‌کاری‌هایی از رستم و دیو سفید در دروازه غار به چشم می‌خورد که بعد از تخریب به موزه ایران باستان تهران انتقال داده شد.

دروازه گمرک
دروازه گمرک در حدود میدان گمرک (رازی) قرار داشت. دروازه گمرک از سه‌راه‌هایی بود که کاروان‌های تجاری از آنجا عبور می‌کردند و باید عوارض گمرک می‌پرداختند.

دروازه باغ‌شاه
دروازه باغ‌شاه در محدوده میدان حر دروازه باروی غربی بود و از دروازه‌های شمالی تهران محسوب می‌شد. دروازه باغ‌شاه در زمان قاجار محل عبورومرور پادشاهان قاجار و هیأت‌های خارجی بود.

دروازه دولاب
دروازه دولاب قدیم (تهماسبی) در ابتدای بازارچه نایب‌السلطنه در خیابان ری و دروازه دولاب جدید (ناصری) در سه‌راه شکوفه قرار داشت.

عکس‌ها: همشهری/محمد عباس نژاد

کوچه‌گرد

قصه بده‌وبستان نسیه مردم در تهران قدیم

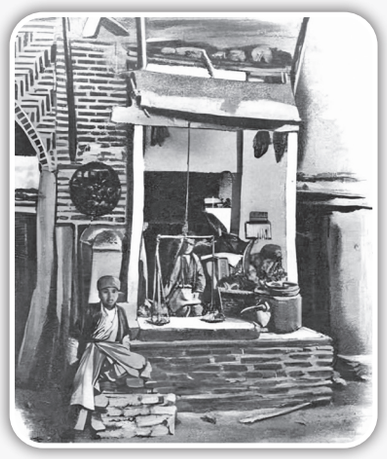

لیلا باقری

همه‌مان «چوب‌خطت پر شده» را شنیده‌ایم؛ همان چوب‌خط ترکه‌آلبالویی که قدر ۲ وجب بود و جای دفتر حساب و کتاب. بقال و قصاب و نانوا و بقیه کاسب‌ها یکی برای هر مشتری داشتند و وقت نسیه بردن با چاقو خطی به تن چوب می‌کشیدند و خط‌ها را آخر هر ماه می‌شمردند و میزان طلب معلوم می‌شد و اگر مشتری قبل از صاف کردن بدهی می‌رفت برای خرید، می‌شد مثل بابای حسنی.

حاجی ماست‌بند: حسنی چوب خط آقات پر شده!

حسنی: چوب آقام چی شده؟

کاسب: دِکی... برو بهش بگو شرمنده دفترتون سیاه شده.

بعد ولی آقای حسنی اگر نداشت که تسویه کند، ماجرا جور دیگری پیش می‌رفت.

آقا حسنی: برو به حاجی ماس‌بند بگو حساب کهنه رو شاه بخشیده نوکرتیم.

حسنی دوان دوان سمت ماست‌بندی:

■ بابام گف حساب ما رو شاه بخشیده نوکرمی!

کاسب درحالی‌که ته ترازو را به زمین می‌کوبد: اونو شاه واسه ترضیه و شادی دل خلق‌الله مالیات‌بده گذاشت... نمیتونی بدی نبر... از آب جوق که نگرفتم، سیفیدی چشام جای سیاهیش نشسته تا ماستارو بستم!

حسنی که از کفِ بر لب آمده حاجی، ماست خود را کیسه کرده، می‌دود سمت دالان و جلدی خودش را می‌رساند خانه و می‌بیند، آقاش مگسی نشسته رو پیرنشین، منتظر... و تند تند می‌گوید:

■ ترازو رو کوبید رو پیشخون گفت شاه مرضیه داده، تو ندادی که چشام سیاه شد تا ماستا منو بستن.

آقا حسنی که اینجا متوجه می‌شود حاجی ماست‌بند را از کوره به در برده، سعی مذبوحانه در تلطیف فضا می‌کند:

■ بوگو آقام گف نشون به نشونی اینکه پیرو سلوم کردم جلو دوکونت و رد شدم، یه کاسه ماست بده، بنویس کنار اون یه تاغار دوغ، نقدی حساب می‌کنم. تا حالا مال کیو خوردم که ترازو زمین میزنی؟

حسنی گرسنه از این‌همه دویدن، بِر و بِر آقا را نگاه می‌کند و آقا جلدی لنگه گیوه‌اش را پرت می‌کند سمت حسنی که خدا را شکر حسنی جا خالی می‌دهد و گیوه می‌خورد به در خانه همسایه... و آقا پشت بندش تف می‌کند روی زمین و رو به حسنی که مثل شصت‌تیر می‌پرد سمت دالان، داد می‌زند:

■ خشک نشده جلدی برگشتی با ماست.

حسنی هن و هن کنان می‌نشیند روی پله دکان و می‌گوید:

■ آقام گفت از در دوکونت رد شدم سلوم کردی، یه تاغار ماست بده تا تف خشک نشده

کاسب: لا اله الا الله! پس دیده سلوم کردم و عینهو گربه باریک شد و از کنار گذر خزید و رفت و به روی مبارک نیاورد... برو رد کارت، نسیه نمی‌دم!

حسنی گالش لاستیکی‌ها را در می‌آورد و مثل باد برمی‌گردد و آقا را برزخ می‌بیند و ۲ متریش می‌ایستد تا گیوه اگر کمانه کرد، با محاسبه درست جا خالی بدهد چون جای قبلی هنوز خوب نشده است.

■ گف دیدم مثل گربه باریک خزینه رفتی، نسیه نمی‌دم.

آقا می‌آید چندتا لیچار آب کشیده نکشیده بار ماست‌بند کند و یکی هم بزند پس کله حسنی اما با انداختن تف غلیظ دیگری روی کپه خاک کنار خانه، کظم غیظ می‌کند و سر می‌خورد توی سیاهی دالان خانه و تا حسنی پا به پا کند که برود داخل یا نه، آقا با یک ماله برمی‌گردد:

■ اینو بده بهش بگو مشتی بذار کنار شمشه و شاغول و اسمبلیم... فردا میام حساب می‌کنم، بده این ور وسایل مارو تا پاییزه یکم کاگل بکشیم سقف خونه خلق‌الله پول دربیاریم...

حسنی اما نمی‌شنود، گالش زیر سر مثل اسب خسته از مسابقه خوابش برده و آب دهنش خاک روی گالش‌هایش را می‌شوید.

برگرفته از «طهران قدیم» جعفر شهری در وصف شیوه بده‌وبستان نسیه بین کاسبان و اهل محل و ادبیاتشان.

با اسکن این کیوآرکد پادکست مربوط به یادداشت را بشنوید.

سوژه روز

رژیم مدیترانه‌ای جشن ایتالیایی

مسعود میر

یک استاد تاریخ ایرانی - هوشنگ شهابی - در جستارها و سلسله‌سخنرانی‌هایش با محور خوراک ایرانیان تأکید می‌کند برای اینکه بدانیم چه چیز بر یک ملت گذشته باید از زندگی روزمره مردمانش هم اطلاع داشته باشیم و تاریخ یک ملت را فقط جنگ‌ها و پادشاهان و حکومت‌های آن کشور رقم نمی‌زنند و زندگی عادی مردمان عادی هم مهم قلمداد می‌شود و در این میان، غذا و خوراک موضوع بسیار مهمی در تحلیل تاریخ یک سرزمین است.

با این پیش‌فرض وقتی صحبت از غذای ایتالیایی و ذائقه ایرانی‌ها می‌شود، همه ما خیلی سریع یاد اسپاگتی و پاستا و پیتزا می‌افتیم، یاد غذاهایی که دهه‌هاست در خانه‌های ما ایرانیان طبخ و البته به‌وفور در رستوران‌ها عرضه می‌شود. در هفته آشپزی ایتالیایی چیزی ورای همه غذاهای آن رستوران‌های قدیمی و جدیدی که پاستا و پیتزا دست مشتری می‌دهند سرو می‌شود. حرف از رژیم غذایی مدیترانه‌ای است که خودش حدود یک دهه پیش به‌عنوان میراث ناملموس جهانی در یونسکو به ثبت رسید و البته خوش‌ذوقی و سختگیری ایتالیایی‌ها که در پخت غذاهای سالم و خوشمزه زبانزد هستند.

۲روز پیش هم در باغ فرمانیه یا همان باغ فرمانفرما که محل اقامت سفیر ایتالیا در تهران است، یک دورهمی جذاب برگزار شد که مناسبتش ترویج آشپزی ایتالیایی و البته رژیم غذایی مدیترانه‌ای بود، رژیمی که یکی از سالم‌ترین عادت‌های غذایی در جهان است و به کاهش بیماری‌های قلبی، دیابت، بیماری‌های تنفسی و اختلالات عصبی کمک می‌کند. گل سرسبد رژیم غذایی مدیترانه‌ای را در غذاهای ایتالیایی می‌توان سراغ گرفت که عمدتا از مواد غذایی گیاهی به‌خصوص غلات کامل، روغن زیتون، سبزیجات و البته مقدار اندکی گوشت تشکیل می‌شود و نه‌تنها انتخابی سالم برای خوراک به شمار می‌آید، بلکه نمادی از همنشینی و اشتراک و احترام به سنت‌هاست.

ما ایرانی‌ها در خاورمیانه عاشق غذاهای مدیترانه‌ای هستیم و ایتالیایی‌ها هم استاد تمام‌عیار این غذاها به شمار می‌روند. پس هفته آشپزی ایتالیایی خوش بگذرد.

عکس خانه

به تماشای پرندگان مهاجر

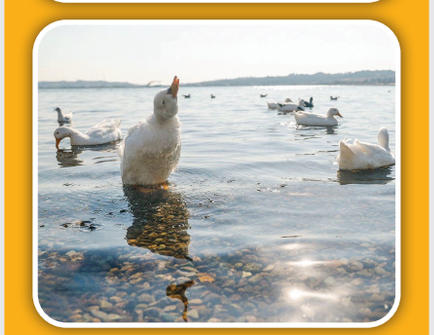

این روزها اگر گذرتان به دریاچه چیتگر تهران افتاده باشد، حتما پرندگان مهاجر را در این دریاچه دیده‌اید. پرندگان مهاجر هرسال در فصل زمستان از شمال سیبری و اروپای شرقی به تالاب‌های کشورمان مهاجرت می‌کنند. حوضه آبگیر دریاچه شهدای خلیج‌فارس یا همان چیتگر به اکوسیستم جدیدی برای پرندگان مهاجر تبدیل شده و می‌توانید شاهد صحنه‌های زیبایی از حضور این پرندگان در این دریاچه باشید.